

بحر بیکران اسرار

خلقت

هان ! مقراض امید عنایت است تکبر
با نا رسایی فکر و عقل چه داری تصور؟
بی زینه بالا شتافتن به بام بندگی
بی دستاویز بر حریم ، خود کردن است تمسخر
فوق کل ذی علم علیم، است جهد را امل
گر عقل رسا ، نماید در هستی تدبیر
سعی و عمل آخر ره را کشاید به منزل
خوب کردن و خوب یافتن است حاصل تکرر
اسرار خلقت است بیرون از بحر بیکران
یکی گرمکشوف گشت، صد هاتابع تصور
کهکشانی ها بین هستی و نیستی معلق
کس نداند غایت این تحرک و تقرر
قرآن گفت یسبحون، تجربه شدم کتسبون
نقاش ازل راست مدیریت در تدور
این اجرام که راهی سیه چال معدومی است
صد جهان تجلی دیدم مکتوم تکدر
آن فلسفی که کرده است خود را وقف بر بشر
دیدمش نی پاداش دارد طمع نی تشکر
روزی میرساند ای انسان علمت به مقصود

بخشید خدا به آدم تفکرو تبحر

کابل: 17.11.2014

م . ش . فروغ

آیه مبارکه 40 سوره 36 یسن

لاشمسُ یَبْغی لها ان تدركَ القمر و لا الیلُ سابقُ النهار و کل فی فلک یَسْبَحونَ (40)

نه خورشید را سزد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی گیرد، و هریک در مدار خود شناورند 40

- و فوق کل ذی علم علیم سوره مبارکه 12 آیت 76 و بالاتر از هر صاحب علمی داناتری است.